

چکیده

«إِنَّمَا عُمُرُ مَسَاجِدِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُفْتَدِينَ»^۱، مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و جز از خدا نترسند، امی است چرین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.

حضور در مسجد از مصادیق مهم و اصلی آباد نگه داشتن آن است و بدون آن مسجد از اساس فاقد عمران و آبادی خواهد بود. از این رو، در روایت، به مسجدهایی که مسلمانان رها کرده‌اند و در آن نماز نمی‌گزارند، مسجد خراب گفته‌اند.^۲ در بررسی کلمه‌ها و عبارات‌های قرآن کریم و نفی سنت، نکته‌ی مهم درباره‌ی مسجد این است که پیشوایان دین اسلام بپرفت و آمد به مسجد و انس گرفتن با خانه‌ی خدا تأکید زیادی کرده‌اند؛ تا آنجا که فقهای اسلام با استناد به همین تأکیدیها گفته‌اند: در شرع مقدس اسلام، سفارش فراوانی شده است که نماز را در مسجد بخوانند. از نگاه روایات، این مسجدها به ترتیب بهترین مساجد هستند: مسجد الحرام، مسجد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، مسجد کوفه، مسجد نبی المقدس، مسجد جامع شهر، مسجد محله و سپس مسجد بازار (مسلمانان).^۳ در این نوشته، با توجه به منابع اسلامی، به ده موضوع درباره‌ی مسجد می‌پردازیم.

۱. مسجد مرکز پرستش خالصانه

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۴، مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ کس را با خدا مخوانید.

درباره‌ی این آیه، برخی این گونه گفته‌اند: «وَلِلَّهِ الْمَسَاجِدُ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا». بنابراین، لام در لَأَنَّ دلیل برای لا

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸

۲. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴.

۳. رساله‌ی توضیح المسائل امام خمینی قدس سره، مسطحه‌ی ۸۹۳

۴. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

تدعوا است، بگریه هیچ کس را با خدا در مسجدها نخوانی؛ زیرا مساجد مخصوص خدا و عبادت اوست.^۱

بپیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی قدسی می فرماید:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُصْبِي لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُصْبِي النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَرْوَرِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَّاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، خداوند متعال می فرماید: خانه های من در زمین همان مساجد است که برای اهل آسمان می درخشند؛ آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه ی خویش قرار داده اند. خوشا به حال بنده ای که در خانه ی خویش وضو می گیرد؛ آنگاه مرا در خانه ام زطوت می کند. آگاه باشی که بر زطوت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرد و به وی احسان کند. کسافی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد گام بر می دارند، به نوری درخشان در روز قیامت بشارت دهی.^۲

همان گونه که ملاحظه می کنید در این آیه به انسانی زائر خدا گفته می شود که به مسجد رفت و آمد می کند. بنابراین، مسجد بگریه محل زطوت خداوند متعال و مکافی که در آن انسان با انجام عبادت های خالصانه ی خویش، به سوی تقرب به حق تعالی می رود. ملکوت این عبادت و این حضور خالصانه در مسجد به صورت نوری است درخشان در تاریکی های عالم قیامت. تشبیه مساجد به ستاره های درخشان آسمان نفی به همین معنا اشاره می کند. شاید این تشبیه به این معنا باشد: همان گونه که ستاره ها در دل تاریکی شب مایی زینت آسمان و نفی وسیله ای برای راه طیبی و هدایت هستند، مسجدها نفی مایی زینت عالم خاک و نیز انوار هدایت الهی برای سعادت مردمان هستند. شایع نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز به همین امر اشاره می فرماید: «الْمَسْجِدُ أُنْوَارُ اللَّهِ»، مساجد انوار الهی هستند.^۳

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به ابوذر فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنْفَسْتَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ

^۱. تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۴۵۷.

^۲. وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸. المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

^۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۵.

تُصَلِّي عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَتُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَتُمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ»، ای ابوذر! تازمانی که در مسجد نشسته‌ای خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.^۱

ایشان همچون فرموده‌اند:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتِظَارُ الصَّلَاةِ عِبَادَةُ مَا لَمْ يُحْدِثْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحْدِثُ قَالَ الْإِغْتِيَابُ»،
نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است؛ مادام که حدثی سر نزده باشد. پرسیدند: علی‌رسول الله! حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.^۲

امام صادق (علیه السلام)، در حدیثی طولانی، آداب مراقبت از مسجدها را این گونه بیان کردند:

«هرگاه به در مسجد رسیدی، بدان که تو به آستان خانه‌ی پادشاهی بزرگ و پرشکوه آمده‌ای که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه‌ی نشستن در مجلس او جز به صدیقان داده نشود. وانگهی، تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته‌ای؛ پس اگر از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی، خطری بزرگ تو را تهدید می‌کند. در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیری و درویشی خود اعتراف کن؛ زیرا تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای. رازهیبت را با او در میان نه و بدان که اسرار درون خلایق همگی بی آشکارشان بر او پوشیده نیست. در برابر او همچون درویش‌ترین بندگان باش و دلت را از هر علقه و دل‌مشغولی که حجاب میان تو و پروردگارت شود خالی کن؛ زیرا که او جز پاک‌ترین و خالص‌ترین را نمی‌پذیرد. بنگر که از کدام دینان نامت بپوین می‌آید؛ اگر حلاوت مناجات با او و لذت گفتگو با وی را چشیدی و بر اثر روی‌کرد او به تو و اجابتش جام رحمت و کرامت او را سر کشیدی، هر آنچه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده‌ای. انخک به مسجد درآی که در امن و امان خواهی بود».^۳

^۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۰.

^۲. امالی صدوق، ص ۴۲۰.

^۳. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۳.

۲. مسجد مرکز ذکوة و طه الهی

قرآن کریم می‌فرماید:

«...وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دین‌ها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسطه برده می‌شود وین می‌گردد و خداوند کسانی را که طه‌ی او کنند (و از آفتش) دفاع کنند، طه‌ی می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیری است.

در برخی از روایات‌ها، مسجد را بازار آخرت نامیده‌اند؛ یعنی همان‌گونه که بازار محل خرید و فروش مادیات است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که برای سرای آخرت کاربرد و تأثیری دارد. در حدیثی از حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است:

«الْمَسْجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَاهَا الْمَغْفِرَةُ، وَ تُحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ» ، مساجد بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند با مغفرت پنداری می‌شود و هدیه‌ی آنان بهشت است.^۲

مؤمن بیش از هر چیزی به اسباب و مقدماتی اهمیت می‌دهد که در آخرت به آن‌ها نظر دارد. شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه‌ی او به بازارهای دنیاست. بنابراین، مؤمنان بایستی هنگام رفتن به مسجد، بر دیگران بهتری بگینند و هنگام خروج، دینی‌تر از همه مسجد را ترک کنند. امام باقر (علیه‌السلام) از پدران خویش و آنان نیز از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل کرده‌اند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِجَبْرِئِيلَ - أَيُّ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ الْمَسْجِدُ وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوْلَهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا قَالَ فَأَيُّ الْبَقَاعِ أَبْغَضُ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ الْأَسْوَاقُ وَأَبْغَضُ أَهْلِهَا إِلَيْهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا» ، آن حضرت از جبرئیل (علیه‌السلام) سؤال کرد: کدام مکان نزد خداوند محبوب‌تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مسجد و دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد نیز کسی است که بیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود .

^۱ . سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

^۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱.

بَطْمِرِ اکرم (صلی الله علی وآله) فرمود: کدام مکان‌ها نزد خدا مبعوض‌ترین است؟ جبریل عرض کرد: بازار و مبعوض‌ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که قبل از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج شود.^۱

در برخی روایات‌ها آنان را که در رفتن به مسجد شتاب می‌کنند و گوی سبقت را از دیگران می‌برند، پرچم‌دار بهشتین می‌دانند که در روز قلمت بخش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. بَطْمِرِ اکرم (صلی الله علی وآله) خطاب به ابوذر می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ، طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأُلُويَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالْأَسْحَارِ وَغَيْرِهَا»، ای ابوذر! خوشا به حال پرچم‌داران روز قلمت که پرچم‌ها را به دوش گرفته و بخش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات، در رفتن به مسجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.^۲

رفتن به مسجد موجب پاک‌شدن گناهان می‌شود. امام صادق (علی السلام) فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا يُبَوِّتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُّعَاءِ»، به مساجد بروید؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند. هر کس پاک و پاکیزه وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره‌ی زائران خود قلمدادش کند؛ پس در مساجد نماز و دعا بسطید بگزارید.^۳

ثواب رفتن به مسجد برای شرکت در نماز جماعت آن قدر زیاد است که بَطْمِرِ اکرم (صلی الله علی وآله) فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَيُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ»، هر کس برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که بر می‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود

^۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۶۹.

^۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳.

^۳. امالی صدوق، ص ۳۵۹.

و اگر در آن حال بمی، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عبادت او روند و انص تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.^۱

همچنین، از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ قِرَاءَةٌ مُمْ صَلَّ أَوْ ذَكَرُ اللَّهَ أَوْ سَأَلَ عَنْ عِلْمٍ»، هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که (قرآن) قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.^۲

شایسته نهیت مسلمانی از مسجدی عبور کند و در آن نماز نخواند. بطهیر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ»، مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهی؛ مگر آنکه دو رکعت نماز در آن بخوانی.^۳

حضرت علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدْيٍ، أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ تَرَكَ ذَنْبٍ خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً»، هر کس به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چینی دست یابد: برادر دینی سودمند، دانشی جدی، آیتی محکم و استوار، رحمتی منتظره، سخنی که او را از هلاکت برهاند، شریعتی جمله ای که او را به راه راست هدایت کند یا آنکه گناه ی را از ترس بی شرم ترک گوید.^۴

بطهیر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلِّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ)»، کسی که به مسجد می رود، دست کم با یکی از این سه چینی به خانه اش برمی گردد: دعایی که به درگاه خدا می کند و خدا با آن او را به بهشت می برد؛ دعایی که به سبب آن خداوند بلای دنی را از او

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۰.

۳. امالی صدوق، ص ۴۲۲.

۴. همان، ص ۴۳۲.

برمی گرداند؛ بی برادری که در راه خدای عزوجل، از وجودش بهره مند می شود.^۱

۳. بزرگ ترین ظلم جلوگیری از عباد خدا در مسجد

قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا» «کسیست ستمکارتر از آن

کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟^۲

و همچنین:

«کسی که برای تخریب و ویرانی مساجد (از عباد خدا در مساجد جلوگیری) تلاش می کند، ظالم ترین انسان است، به قرینه ی تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش می کند، در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد».^۳ خرابی و ویرانی مسجد به تخریب فنی یکی منحصر نمی شود که کسی مسجدی را خراب کند و به جای آن منزل بی مغازه بسازد؛ بل هر برنامه ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در ویرانی مسجد به شمار می رود.^۴ از این آیه، نتیجه می گیری ظالم ترین فرد کسی است که نه خود به مسجد می رود و نه می گذارد دیگران به مسجد روند. به طور قطع، این افراد بی منافق هستند بی مشرک بی کافر. هشدارهای اهل بیت (علیهم السلام) نقش مسجد را به خوبی گوشزد کرده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قِبْلَتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عِدَالَةً وَلَا نَالَتْهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاوَرُونِي فِي جَنَّتِي» «مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آنها وحی فرمود: به عزت و جلالم سوگند! که حتی یک نماز آنان را نپذیرم، عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم، رحمت من به آنان نرسد و همسایگی من در بهشت نشوند».^۵

۱. امالی طوسی، ص ۴۷.

۲. سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۴.

۳. تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۱۲.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱.

۵. بحارالانوار، ۸۰، ص ۳۳۹.

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَمُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غُبَارٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ»، سه چنی نزد خدای عزوجل شکایت می‌کنند: مسجد خرابی که اهالی‌اش در آن نماز نخوانند، دانشمندی که در میان عده‌ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند.^۱

۴. لزوم انگیزه‌های صحیح در مسجدسازی

قرآن کریم می‌فرماید:

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَقَمْنَ أُسُسَ بُيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...»، ... آن مسجدی که از روز نخست برپای تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. آئی کسی که شالوده‌ی آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده است، بهتر است کی...؟^۲

مسجدسازی عملی عبادی است و صرف ساختن بنای مسجد، بدون قصد قربت، مطلوب و مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایات‌هایی که ساختن و تعمی مسجد را فضیلتی بزرگ می‌دانند، ناظر به مسجد‌هایی است که ساختن آن‌ها برخاسته از انگیزه‌های الهی باشد؛ در نتیجه، لازم است مسجد براساس تقوا و رضایت الهی بنا شود. در روایت‌های موجود (در کتب عامه و خاصه)، تصریح شده است ثواب مسجدسازی از آن کسافی است که با انگیزه‌های سالم مسجد می‌سازند.

نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود:

«بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكُرَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيٌّ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»، هر کس مسجدی بسازد به قصد این‌که در آن خدا یاد بشود، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.^۳

در روایتی دیگر نیز فرمود:

۱. خصال، ص ۱۴۲.

۲. سوره توبه، قسمتی از آیات ۱۰۹ و ۱۰۸.

۳. روضه الواعظین نیشابوری، ص ۳۷.

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ»، کسی که مسجدی را برای خدا بنا نمایی، خداوند خانه‌ای مانند آن در بهشت برای وی بنا خواهد نمود.^۱

در برخی روایات، خارج شدن مسجدسازی از حالت عبادی و تبدیل شدن آن به عملی که مایه فخر باشد نهی شده است. بطمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انحراف امت در این زمینه را نشانه‌ی برپایی قلمت می‌داند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتِيَهَى النَّاسُ بِالْمَسَاجِدِ»، از نشانه‌های قلمت آن است که مردم مسجد را وسیله‌ی فخر و فروشی قرار می‌دهند.^۲

اساساً، در روایات، ساختن هر بنایی نفی شده است که با انگیزه‌ی فخر و مباهات باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«وَمَنْ بَنَى بُيُوتًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ نَارٌ يَشْتَعِلُ مِنْهُ ثُمَّ يُلْقَى فِي النَّارِ فَلَا يَحْبِسُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سَمِعَهُ فَقَالَ يَبْنِي فَضُلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ اسْتِطَالَةٌ بِهِ عَلَى جِيرَانِهِ وَ مُبَاهَاةٌ لِإِخْوَانِهِ»، کسی که بنایی را به منظور خودنمایی و به گوش دی‌گران رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمانی هفتم در حالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بر وی حمل می‌کند و او را در آتش می‌افکند. چینی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی‌کند؛ مگر آنکه توبه کند. عرض شد: ای رسول خدا! از روی ریا و سمعه ساختن بنا به چیست؟ فرمود: این که انسان زانی بر ظلف خود و به قصد فخر و فروشی بر همسایگان و مباهات نمودن به برادران خود بنایی را بسازد.^۳

اهمیت رعایت انگیزه‌های الهی در مسجدسازی تا آنجاست که در برخی روایات مسجد‌هایی نکوهش شده‌اند که با انگیزه‌های ناسالم بنا شده‌اند. امام باقر (علیه السلام) در مورد بعضی از مسجد‌های کوفه می‌فرماید:

«جُدِّدَتْ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ بِالْكُوفَةِ فَرَحًا لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدُ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدُ سِمَاكِ

^۱. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴.

^۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۴.

^۳. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۷.

وَمَسْجِدُ شَيْثَ بْنِ رَبِيعٍ»، چهار مسجد در کوفه به انگیزه‌ی اظهار خوشحالی از شهادت امام حسین (علیه السلام) تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جری، مسجد سَمَّاك و مسجد شَيْثَ بْنِ رَبِيعٍ.^۱

در روایت دیگری این مسجدها را مساجد ملعونه نامیده‌اند؛^۲ زیرا نه تنها تجدید بنای آن با انگیزه‌ای ناسالم صورت گرفته است، بلکه از اساس برپای اولی‌ای آن با هدف تضعیف دین بوده است و ائمه (علیهم السلام) نمازگزاردن در آن‌ها را نهی کرده‌اند.^۳

۵. ویژگی‌های آبادکنندگان مسجدها

از نظر اسلام، مسجد مرکز عبادت، بندگی خدا و اجتماع فرهنگی مسلمانان است. ازاین‌رو، هم متولیان مسجد بای افراد صالح، شایسته و مؤمن باشند و هم برنامه‌هایی که در مسجد اجرا می‌شود بای سازنده، رشددهنده و آموزنده باشد. بنابراین، معماران و آبادکنندگان مسجدها بای اهل ایمان، تقوا و پرهیزکاری باشند، نه کسانی که اعتقادی به خدا و قیامت ندارند. اهمیت مسجد در جایگاه کانون حساس و مقدس احباب می‌کند فقط کسانی آن را تعمیر کنند که فضایی برجسته و شراعی خاص داشته باشند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»، مشرکین - درحالی که خود بر کفر خویش گواهی می‌دهند - شایسته‌ی آن نیستند که مساجد خدا را آباد کنند. اعمال آن‌ها تباه و خود در آتش جاودانند. تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و نماز به پای دارند و زکات بدهند و جز از خدا نترسند. چنین کسانی امین است که از هدایت یافتگان باشند.^۴

از این آیات استنباط می‌شود که مشرکان و بیگانگان با دین اسلام حق ندارند در آبادی و تعمیری مسجدها شرکت کنند. معماران و متولیان مسجدها بای سه شرط داشته باشند:

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۱۹.

۳. همان، ص ۵۲۰.

۴. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸ و ۱۷.

الف) از نظر اعتقادی مؤمن به خدا و قلمت باشند؛

ب) از جهت عملی نماز را به پا دارند و اهل زکات باشند؛

ج) از لحاظ روحی شجاع و باصلابت باشند.^۱

مشرکان پیش از نزول این آی در تعمی مسجدالحرام شرکت می کردند و با حضور در خانه‌ی خدا در اطمینان و مراسم حج طی با پرداخت کمک‌های مالی، به رونق‌دهی و ظاهری خانه‌ی خدا کمک می کردند؛ ولی این آی آنان را از تعمی مسجد منع کرد. این تأکیدی بر وجود شرط‌هایی خاص برای آبادکنندگان مسجد، دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی دارد: اهمیت آن از نظر فردی این است که آباد کردن مسجد بدون آن ویژگی‌ها عملی بی‌روح و بی‌جان است که در بارگاه ربوبی ارزشی ندارد. اهمیت آن از بعد اجتماعی این است که مسجد نقش‌های مهم اجتماعی دارد؛ در نتیجه آبادکنندگان آن بایستی انسان‌هایی صالح و برگزیده باشند تا مسجد بتواند نقش حلقه‌ی خوشی را ایفا کند.

در مورد کیفیت آباد کردن مسجدها، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به سؤال ابوذر پاسخ می‌دهد:

«لَا يُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا وَلَا يُبَاعُ فَاتْرُكِ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ»، در آن‌ها (مساجد) صدا بلند نشود، به سخنان و امور نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آن‌ها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکشی. اگر چرخی نکشی، در روز قلمت نبایستی کسی جز خودت را ملامت کنی.^۲

۶. پرهیز کاران، سرپرستان مسجدها

علاوه بر آی‌های ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی توبه که درباره‌ی آن سخن گفتیم، قرآن کریم در جایی دیگری و با بطنی مختصر شرط‌های لازم را برای متولیان مسجدها ذکر کرده است:

«وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعْذِبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أُولَٰئِكَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»، چرا خداوند کفار و مشرکان را عذاب نکند؟ در حالی که آنان با وجودی که سرپرست و متولی مسجدالحرام هستند، راه آنان را بر بندگان خدا بسته و مانع از ورود

^۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۳.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۴.

مؤمنان به مسجدالحرام می‌شوند؟ سرپرستی مسجدالحرام تنها از آن انسان‌های متقی است؛ ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند.^۱

تقوا شرط لازم این آیه است که می‌خواهد شرط‌های لازم برای متولیان مسجد را ذکر کند. نباید گمان ببریم که این آیه فقط درصدد بیان شرط‌های متولیان مسجدالحرام است؛ زیرا همه‌ی مسجدها به‌دلی آنکه خانه‌ی خدا، محل تقوا و عبادت و کانون هدایت‌اند، متولیان پرهیزکار می‌خواهند. در واقع، تفاوت مسجدالحرام با دیگر مسجدها، فقط از باب شدت و ضعف است؛ یعنی اهمیت ویژه و موقعیت مسجدالحرام، اقتضا می‌کند متولیان و گردانندگان آن بسیار متقی باشند.

لزوم پیش‌بینی چنین شرط‌هایی برای متولیان مسجد، تاحدزطی به نقش حیطی و حساسی مربوط می‌شود که مسجد بایستی در جامعه‌ی اسلامی ایفا کند. اگر مسجدی بخواهد مرکز عبادت و بندگی خداوند متعال باشد و پایگاه جهاد فکری و کانون تعالیم و تعلم معارف اسلامی و همچنین هنگام جنگ و بروز خطر پایگاه تجمع رزمندگان باشد، بایستی متولیان و گردانندگان مؤمن، موحد و خداجو داشته باشد. قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسجدهایی که متولیان و گردانندگان صالح و شایسته داشتند، توانستند به‌خوبی نقش اصلی خویش را در جامعه‌ی اسلامی ایفا کنند.

۷. حرمت نماز خواندن در مسجد منافقان

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَكَيْلًا لِّنَّاسٍ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» و کسانی که مسجدی ساختند برای زطی به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکری میان مؤمنان و کم‌نگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیمبرش مبارزه کرده بود، آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که جز نفکی و خدمت چینی نداشته‌ام؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست!^۲

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۴

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸ و ۱۰۷

اسلام نماز گزاردن در مسجدی را نهی کرده است که با هدف تضعیف دینی بنا شده باشد. خداوند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را به نماز گزاردن در مسجدی فرمان می دهد که از ابتدا بر بطن تقوا پیریزی شده باشد؛ در نتیجه روشن می شود نماز گزار نفی بانی توجه کند در چه مسجدی نماز می گزارد. در مجمع الطلح، در تفسیر آیه ۱۰۷ سوره توبه «وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» آمده است: آن مسجد (ضرار) را برای بازگشت ابوعامر راهب ساخته و آماده کرده بودند (ابوعامر همان کسی است که قبلاً با رسول خدا جنگیده بود). داستان چرین است که وی در جاهلیت جامه ی پشمی می پوشید و رهبانیت پیش گرفته بود؛ اما وقتی بطحیر (صلی الله علیه و آله) به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت کرد و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابوعامر پدر حنظله (غسل الملائکه) است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را ابوعامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود: «خود را آماده کنید و مسجدی بسازید؛ زیرا من نزد قهصر رفته ام، با سپاه من او آمده ام و محمد (صلی الله علیه و آله) را از مدینه بیرون می کنم!». منافقان منتظر برگشت ابوعامر بودند؛ اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم به هلاکت رسید. خداوند بطحیر خود را از نیت پلیدی و باطن کثیف منافقان آگاه کرد و رسول خدا در برگشت از غزوه تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی که طرفدارانش ستمگرند بروید و آن را ویران کنید و بسوزانید». حضرت دستور داد محل آن را به زباله دانی و جای انداختن لاشه ها و مردارها تبدیل کنند.^۱

۸. استفاده از زینت هنگام ورود به مسجد

از جمله آداب مسجد زینت کردن خود هنگام ورود به آنجاست. قرآن کریم می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.^۲

مراد از همراه داشتن زینت در مسجد آن است که انسان هنگام حضور در مسجد، با زینت های نفیس و پسندیده، خود را بیاراید. البته، این کار برای نماز، طواف و سایر کارهایی است که جنبه ی عبادت خدا دارد. پس این فرمان خدا در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادت ها است؛ مانند نمازهای

^۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰، به نقل از بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۲.

^۲. سوره ی اعراف، آیه ی ۳۱.

عی، جماعات می‌می و سای عبادت‌ها.^۱

در نماز به دو نوع زینت نیاز داریم:

الف) زینت ظاهری: امام سجاد (علی‌السلام) هنگام نماز زیباترین لباس خود را می‌پوشید و این آیه را تلاوت می‌کرد: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».^۲

ب) زینت معنوی: زینت معنوی حالت خشوع در نماز است. امام علی (علی‌السلام) فرمود: «الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ».^۳ قرآن کجیم در وصف مؤمنان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۴، آنان کسانی هستند که در نماز خویش خشوع دارند. این زینت کردن شامل لباس زیبا، بوی خوش، آراستگی و نظافت نف می‌شود.^۵

۹. لزوم طهارت در رفتن به مسجد

یکی از آداب مسجد این است که فرد پیش از ورود به مسجد طهارت داشته باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^۶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیکی نشوید تا بدانچه چه می‌گویید و همچنین هنگامی که جنب هستی - مگر آنکه مسافر باشی - تا غسل کرید.^۷

در ذیل این آیه روایتی از امام باقر (علی‌السلام) آمده است:

«أَنَّ مَعْنَاهُ لَا تَقْرَبُوا مَوَاضِعَ الصَّلَاةِ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَأَنْتُمْ جُنْبٌ إِلَّا مُجْتَازِينَ»^۸، معنای آیه شریف «وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» آن است که در حال جنابت به مساجد داخل نشوید، مگر آنکه بدون توقف تنها از آن عبور کرید.^۹

تردیدی نیست که مسجد در شریعت اسلامی مکانی مقدس و با عظمت است و هتک حرمت آن از

^۱. المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

^۲. یکصد و چهارده نکته در باره نماز، ص ۱۲۸.

^۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۱ و بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

^۴. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲.

^۵. رجوع شود به بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۷.

^۶. سوره نساء، آیه ۴۳.

^۷. وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۵ (البته این حکم شامل مسجدالحرام و مسجدالنبی نمی‌شود).

محرمات قطعی است و برخی از فقها تعظیم و بزرگداشت آن را واجب شمرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِإِيْتَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا يُبَوِّتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ رُؤَاغِهِ الْحَدِيثُ»، هنگام حضور در مسجد مراقب باشید! زیرا مساجد خانه‌های خداوند در زمینند. کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تپه‌ای می‌نماید و نام وی را در زمره‌ی زائران خویش می‌نویسد.^۱

در حدیث دیگری آمده است که با طهارت به مسجد رفتن از جمله اسبابی است که مایه‌ی جلب دعای خیر فرشتگان الهی در حق انسان مؤمن می‌شود. ابوسعید خدری می‌گوید:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آلی مالی هستی شما را به چندی راهنمایی کنم که مایه‌ی پوشیدن و آمرزش گناهان و باعث افزایش حسنات و خوبی‌هاست؟ عرض شد: آری ای رسول خدا. فرمود: نگو وضو گرفتن در سختی‌ها فراوان بپلده به مسجد رفتن و انتظار نماز کشیدن بعد از نماز، هر کس که با حالت طهارت از خانه‌ی خود خارج شود و نماز جماعت را با مسلمانان بهجا آورد، آنگاه در مسجد منتظر برپایی نماز دیگری بماند، ملائکه‌ی الهی در حق وی دعا کرده و می‌گویند: خداوند! او را بپهرز، خداوند! او را رحمت فرما».^۲

۱۰. بپلده رفتن به سوی مسجد

قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»، آری ما می‌یم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم.^۳

در تفسیر مجمع البیان درباره‌ی این آیه آمده است:

مراد از آثار گام‌ها و قدم‌های مؤمنین به سوی مسجد است. سبب این تفسیر آن است که ابوسعید

^۱. وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

^۲. همان.

^۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲.

خدری روایت کرده است که بری سلمه در منطقه‌ای از مدینه ساکن بودند. روزی از دوری خانه‌های خویش از مسجد و مشقت و سختی حضور در نماز بظہر اکرم (صلی‌الله‌علی‌وآله)، به آن حضرت شکایت کردند، آنگاه این آیه نازل شد.^۱

در حدیثی از ظہر اکرم (صلی‌الله‌علی‌وآله) این چرین نقل شده است:

«إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ أَبْعَدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشَى فَأَبْعَدُهُمْ»، پاداش نماز کسانی بیشتر است که بپلده روی آنان به مسجد بیشتر است.^۲

در صورت امکان، انسان باین فاصله‌ی بین محل کار یا خانه تا مسجد را بپلده طی کند. در حقیقت، این کار ابراز نوعی بزرگداشت و تعظیم به صاحب خانه است. همان گونه که انسان هنگام وارد شدن به خانه‌های صاحبان فضیلت و بزرگان سعی می‌کند کوچک‌ترین کاری نکند که نشانه‌ی بی‌اعتنایی باشد، در مورد مسجد باید به این امر بیشتر توجه کرد. از این رو، اولی‌الهی و صالحان، از سر تعظیم و اظهار تواضع به درگاه ربوبی، باینکه امکان سواره به حج رفتن را داشتند؛ ولی بارها فاصله‌ی کعبه تا محل اقامت خویش را بپلده طی کردند. در روایت‌های بسیاری بپلده روی به سوی مسجد را عملی پسندیده یاد کرده‌اند و آثار و فضاطی نفی برای آن ذکر کرده‌اند. جابر بن عبدالله نقل می‌کند:

«كَانَتْ دَلِيلًا عَلَيْنَا نَاطِقٌ عَنِ الْمَسْجِدِ فَأَرَدْنَا أَنْ نَبْعَثَ بِنُصْرَةٍ فَفَقَّوْبَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَهَنَانَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی‌الله‌علی‌وآله)، فقال: إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ دَرَجَةٌ»، خانه‌های ما از مسجد بظہر (صلی‌الله‌علی‌وآله) دور بود؛ لذا خواستیم خانه‌هایمان را بفروشیم و به مسجد نزدیکی شویم. رسول خدا (صلی‌الله‌علی‌وآله) ما را از این کار نهی کردند و فرمودند: شما در برابر هر گامی که به سوی مسجد بر می‌دارید، درجه‌ای در نزد خدا دارید.^۳

در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُجِىَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»، کسی که به سوی یکی از مساجد بپلده حرکت کند،

^۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۸.

^۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۲۰.

^۳. همان، ص ۳۲۱ و صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۸.

خداوند در مقابل هر قدمی که در مسیری رفت و برگشت بر می‌دارد به او ده حسنه پاداش می‌دهد و ده بدی را از او دور می‌کند و وی را دو درجه بالا می‌برد.^۱

منظور از ترفیع درجه و ارتقای مرتبه در این حدیث‌ها فقط پاداش و ثواب نیست؛ بل از آنجا که پلّده روی به سوی مسجد موجب تقویت روح تواضع و تحکیم جوهری عبودیت می‌شود، گوی مؤمن با گام‌هایی که به سوی مسجد بر می‌دارد، به درجه‌ی والاتری از عبودیت و در نتیجه تقرب به خداوند نایل می‌شود. البته، این امر منافاتی با فضل الهی و دادن پاداش و اجر اخروی ندارد. امام صادق (علی‌السلام) فرمود: «مَا عَبْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّثْلَ الصَّمْتِ وَالْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ»، خداوند به وسیله‌ی هیچ عملی مانند سکوت و پلّده حرکت کردن به سوی خانه‌اش عبادت نشده است.^۲

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله العظمی مکارم شریازی.
- ۲- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
- ۳- الامالی، محمد بن علی بن بابوی قمی (صدوق).
- ۴- الامالی، شیخ طوسی.
- ۵- بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی.
- ۶- تفسری جوامع الجامع، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۷- تفسری کبیر، فخر رازی.
- ۸- تفسری مجمع البیان، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۹- تفسری المیزان، علامه طباطبائی.
- ۱۰- تفسری نمونه، جمعی از دانشمندان زیر نظر آیت‌الله العظمی مکارم شریازی.
- ۱۱- تفسری نور، محسن قرائتی.
- ۱۲- الخصال، محمد بن علی بن بابوی قمی (صدوق).

^۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰ و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۲۶.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰.

- ۱۳ - رساله‌ی توضیح المسائل، امام خمینی رضوان الله تعالى علیه.
- ۱۴ - روضه الواعظین، قتال نقشبوری.
- ۱۵ - سنن ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن یحییٰ قزوینی.
- ۱۶ - صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۱۷ - صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نقشبوری.
- ۱۸ - صحیفه‌ی نور، مجموعه سخنان و رهنمودهای امام خمینی قدس سره.
- ۱۹ - مستدرک الوسائل، می‌زا حسن نوری طبرسی.
- ۲۰ - مکارم الاخلاق، رسول‌زاده خویی.
- ۲۱ - وسائل الشریعه، شریح محمد حسن حر عاملی.
- ۲۲ - یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره‌ی نماز، اکبر دهقان.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد